

کارشناسان پژوهش: حجج اسلام روح الله صدوق، محمدصادق حیدری، احمد زیبایی نژاد، حسن صدوق، محمدجواد آقایی، محمدهادی میرزایی و آقای حامد رضایی پور

۱. بررسی احتمال دیگر در نظم دهی منطقی مکاسب، با حیثیت تقسیم «صلاح محض و غیر صلاح محض»

۱/۱. نقاط قوت این احتمال: انتساب به روایت و جامعیت نسبت انواع مکاسب (اقسام مکاسب حلال و حرام)

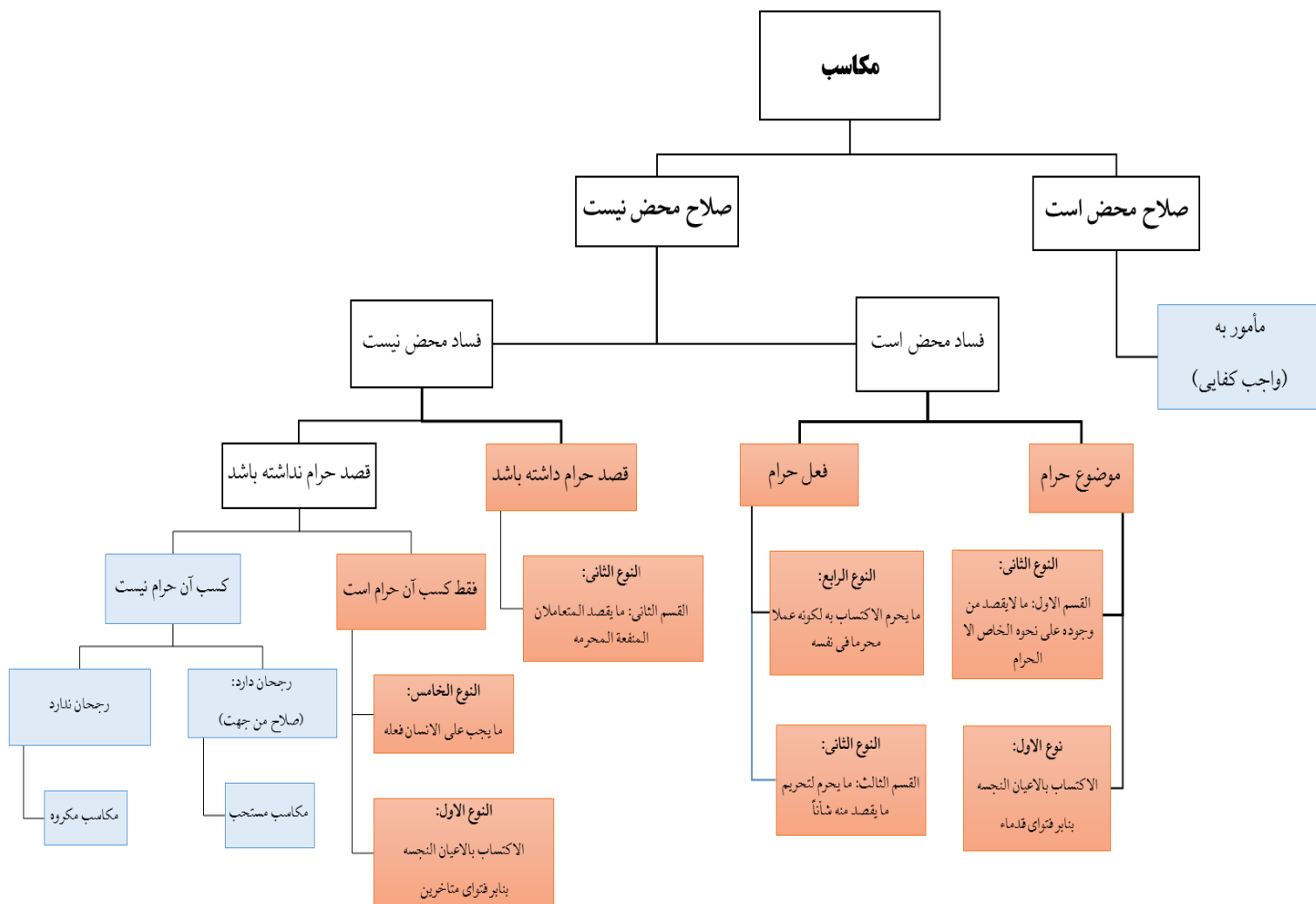
احتمال دیگری که در نظم دهی منطقی انواع مکاسب می توان مطرح کرد این است که براساس روایت تحف العقول، حیثیتی را سلب و ایجاب نماییم که همه کسب ها (هم حلال ها و هم حرام ها) را در بر بگیرد و به نظر می رسد آن حیثیت، «مکاسبی که صلاح است» و «مکاسبی که صلاح نیست» می باشد. البته در این پیشنهاد، فقط به طبقه بندی «مکاسب» پرداخته شده است؛ نه مطلق معایش (بر خلاف پیشنهاد قبلی).

منظور از «صلاح» در کسب براساس روایت تحف العقول، کسب هایی هستند که اولاً «مأمور به» یا «یَجُوزُ لَهُمُ الْإِسْتِعْمَالُ لَهُ» باشد و ثانیاً نیاز عباد باشد، ثالثاً چیز دیگری نتواند جایگزین آن باشد^۲. حال اگر این نوع کسب های صلاح، واجب کفایی شوند، اصطلاحاً به آنها «صلاح محض» می گوئیم؛ یعنی هیچ نوع احتمال غیر رجحانی در آنها فرض ندارد. اما اگر صلاح محض نباشد، به دو حیثیت «فساد محض» و «غیر فساد محض» تقسیم می شود که فساد محض دو نوع است یا فعل کسب، فساد محض است مانند تدلیس ماشطه. یا عین و موضوع کسب (مایکتسب به) فساد محض می باشد مانند بُت. اما کسب هایی که فساد محض نیستند اگر قصد حرام در کسب باشد، حرام می شوند مانند خرید و فروش انگور برای شراب سازی. اگر قصد حرام در آن نباشد، یا کسب و بدست آوردن درآمد با آن حرام است (چه با قصد حرام و چه بدون قصد حرام) مانند کسب درآمد در قبال انجام واجبات خود (مثل اقامه نماز جماعت) و یا کسب با آن حرام نیست که در صورت رجحان داشتن آن کسب، مکاسب مستحب می شود و در صورت عدم رجحان، مکاسب مباح (در صورت قایل بودن به وجود حکم مباح در فقه) و مکاسب مکروه می شود.

باید توجه داشت این نظم دهی به دلیل استناد آن به روایت تحف العقول و جامعیت نسبت به تمام مکاسب حلال و حرام، نسبت به پیشنهادات قبلی، کم اشکال تر است. به طور خلاصه این احتمال به این صورت می شود:

۱. بعضی از مباحث جلسه چهاردهم که مربوط به این جلسه بود، به خلاصه جلسه پانزدهم منتقل شده است.

۲. بخشی از روایت تحف العقول: «كُلُّ مَأْمُورٍ بِهِ مِمَّا هُوَ غَدَاءٌ لِلْعِبَادِ وَ قَوَائِمُهُمْ بِهِ فِي أُمُورِهِمْ فِي وُجُوهِ الصَّلَاحِ الَّذِي لَا يَتِيمُهُمْ غَيْرُهُ مِمَّا يَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ وَ يَلْبَسُونَ وَ يَنْكِحُونَ وَ يَمْلِكُونَ وَ يَسْتَعْمِلُونَ مِنْ جِهَةِ مَلِكِهِمْ وَ يَجُوزُ لَهُمُ الْإِسْتِعْمَالُ لَهُ...»



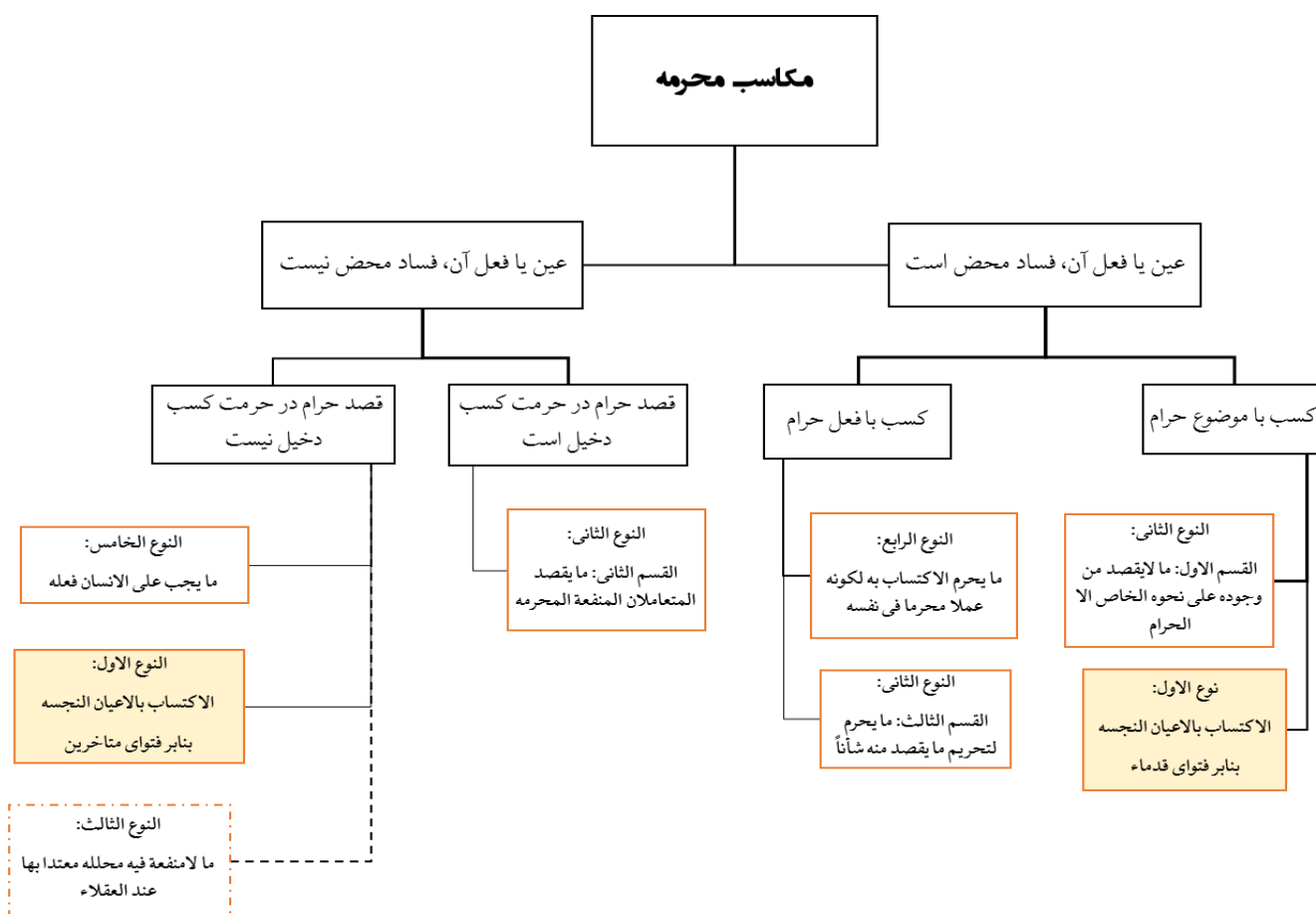
۱/۲. اشکالات مطرح شده نسبت به این نظم‌دهی منطقی

اما به طور کلی سه اشکال به این نظم‌دهی مطرح است: اولاً کتاب مکاسب محرمه، فقط به کسب‌های حرام پرداخته است لذا بهتر است از همان ابتدا حیثیتی مطرح گردد که فقط کسب‌های حرام را طبقه‌بندی منطقی نماید. ثانياً به نظر می‌رسد مصادیق «صلاح محض» معلوم نیست زیرا این احتمال وجود دارد: کسی که واجب کفایی است (مانند نانوائی) به قصد احتکار انجام گیرد که براساس این پیشنهاد باید در قسم «فساد محض نیست؛ به قصد حرام انجام دهد» قرار بگیرد؛ یعنی مصادیق واجب کفایی، هم می‌تواند صلاح محض باشد و هم می‌تواند صلاح محض نباشند. به عبارت دیگر عملاً حیثیت «قصد» حاکم بر حیثیت «صلاح محض» می‌شود. ثالثاً با توجه به اینکه مقسم اصلی و اولیه، «مکاسب» است، حیثیت «کسب آن حرام نیست» در اقسام «فساد محض نیست» امری بی‌معنا و لغو است.

۲. احتمال دیگر در نظم‌دهی مکاسب، با حیثیت تقسیم «فساد محض و غیر فساد محض»؛ به عنوان

پیشنهاد جامع‌تر و منطقی‌تر نسبت به شمولیت کتاب مکاسب محرمه

با توجه به این‌که مرحوم شیخ در این کتاب، فقط به مکاسب محرمه پرداخته است برای تفاهم بیشتر با آقایان و با تکیه به عبارات روایت تحف العقول، می‌توان از حیثیت «یا فساد محض است یا فساد محض نیست»^۱ شروع کرد تا فقط عناوین ابواب کتاب مکاسب محرمه طبقه‌بندی منطقی گردد. بر این اساس، ابواب کتاب مکاسب محرمه به صورت ذیل نظم‌دهی منطقی (سلب و ایجابی) می‌شوند:



در تبیین این پیشنهاد چند نکته مطرح است:

۱. علت اینکه «النوع الاول» در دو قسمت تکرار شده به این دلیل است که اکثر فقهای گذشته، هر نوع استعمال و استفاده‌ای از اعیان نجس را حرام می‌دانند که این به معنای فساد محض بودن عین نجس است اما امروزه اکثر فقها فقط کسب اعیان نجس را حرام می‌دانند اما بعضی از استفاده‌های دیگر آن را جایز دانسته‌اند؛ مانند «کود دادن با عذر نجس» که این کار را جایز دانسته اما خرید و فروش «عذر نجس» را حرام می‌دانند.

۱. اشاره به عبارت «فساد محض» در روایت تحف العقول: «إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي حَرَّمَ هِيَ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مَحْضًا نَظِيرَ الْبُرَابِطِ وَالْمَزَامِيرِ وَالسُّطْرُجِ وَكُلِّ مَلْهُوِّ بِهِ وَ الصُّلْبَانِ وَالْأَصْنَامِ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِيَّةِ الْحَرَامِ وَمَا يَكُونُ مِنْهُ وَ فِيهِ الْفَسَادُ مَحْضًا وَلَا يَكُونُ فِيهِ وَلَا مِنْهُ شَيْءٌ مِنْ وَجْهِ الصَّلَاحِ...»

۲. در جلسات قبل بیان شد که «النوع الثالث» در کتاب مکاسب محرمة (ما لا منفعة فيه محلله معتدا بها عند العقلاء) موضوعا منتفی می‌شود و استدلال آن نیز ذکر شد.^۱ اما اگر بخواهیم نوع الثالث را نیز در این نظم‌دهی بیاوریم، ذیل قسم «قصد حرام در حرمت کسب دخیل نیست» قرار می‌گیرد زیرا در این فرض، موضوعات نوع الثالث فساد محض نیست و در حرام بودن آنها نیز «قصد حرام داشتن یا نداشتن» دخیل نیست بلکه علت حرام آنها، عدم منفعت حلال عقلائی است. ۳. این نظم‌دهی نسبت به پیشنهادی که حیثیت اولیه تقسیم را «قصد حرام (بعد) در حرمت کسب دخیل باشد یا نباشد» برتری دارد زیرا شمولیت بیشتری نسبت به عناوین ابواب کتاب مکاسب محرمة دارد.

بر این اساس اگر نظم‌دهی منطقی را منحصر به مکاسب محرمة نماییم به نظر می‌رسد این احتمال آخر بدون اشکال باشد. لذا فعلا مباحث درونی عناوین کتاب مکاسب محرمة را براساس این نظم‌دهی آخر مورد بررسی قرار می‌دهیم اما اگر در ادامه این مباحث پژوهشی، به نظم‌دهی منطقی‌تر و جامع‌تری رسیدیم مورد تامل و دقت قرار خواهیم داد.

۳. ضرورت بررسی «قواعد کلی استخراج شده از روایت تحف العقول توسط مرحوم سید یزدی» به‌عنوان

مقدمه مباحث درون ابواب کتاب مکاسب محرمة

البته در این مرحله از نقد و بررسی کتاب مکاسب، اولاً بدنبال استخراج قواعد کلی‌ای هستیم که مرحوم شیخ با تکیه به آنها، استدلال‌ات حکم خود را مطرح می‌کند و ثانیاً بررسی موضوعاتی که در نزد مرحوم شیخ تحت این قواعد کلی قرار نگرفته و برای ایشان به عنوان یک استثناء تلقی گردیده است.

بر این اساس باید توجه داشت که اکثر شارحین مکاسب، درباره روایت تحف العقول آورده‌اند که مرحوم سید یزدی حدود ۱۲ ضابطه و قاعده کلی برای مکاسب از این روایت استخراج نموده است. با توجه به اینکه مرحوم شیخ نیز بعضاً در مباحث درونی ابواب مکاسب محرمة برای استدلال فتوهای خود به همین قواعد استناد می‌کند (یعنی کبری استدلال‌ات خود قرار داده است) به نظر می‌رسد باید ابتدا به بررسی این قواعد پردازیم که آیا انتساب این قواعد کلی به روایت تحف العقول تمام است یا نه؟ ان شاء الله در جلسات آینده به این موضوع می‌پردازیم.

۱. رجوع به متن خلاصه «جلسات دهم، یازدهم و دوازدهم» از این سلسله بحث، عنوان: ۲/۱.